

خاطرات و تأملات دکتر محمد مصدق

بقلم
دکتر محمد مصدق

فصل دوم

مبارزه دولت انگلیس در مراجع بین المللی

چون دولت انگلیس نمی خواست سیاستش در ایران دچار شکست بشود و ملل دیگر بتقلید از ایران خود را برای مبارزه حاضر کنند و دول استعمارطلب را بزانو درآورند برای کسب توفیق از دو کار میبایست یکی را انتخاب کند: یا مبارزه خود را در ایران بشدت ادامه دهد و یا در مراجع بین المللی دولت را مستأصل نماید که خود دست از کار بکشد و مبارزه بتفیع آن دولت خاتمه یابد.

نظر باینکه در ماههای اول ملی شدن صنعت نفت دولت غیر از عمال بیگانه مخالفی نداشت و برای مبارزه شدید هم در داخل کشور زمینه حاضر نبود شق دوم را انتخاب کرد. از این چه بهتر که خود را زورگو و استعمارگر معرفی نکنند و از مراجع بین المللی سندی بحقانیت خود صادر و بدنی ثابت نمایند، که دولتی مثل ایران میخواست بیکی از بزرگترین دول عالم زور بگوید و قراردادی [را] که امضا کرده بود معتبر نشناسد. روی این نظر دولت انگلیس دیوان بین المللی دادگستری لاهه شکایت نمود و دیوان بین المللی هم قراری بعنوان «اقدامات تأمینیه» برای جلوگیری از اجرای خلع ید که دولت ایران شروع کرده بود صادر کرد (۵ ژوئن ۱۹۵۱ - ۱۵ خرداد ۱۳۳۰). (۱)

نظر باینکه قرارداد ۱۹۳۳ با شرکت نفت انگلیس و ایران بسته شده بود نه با دولت انگلیس، دولت ایران دیوان بین المللی دادگستری را برای رسیدگی بشکایت دولت انگلیس صالح ندید و بقرار «اقدامات تأمینیه» ای که دیوان صادر کرده بود ترتیب اثر نداد، لذا دولت انگلیس بشورای امنیت شکایت نمود و شورا هم در جلسات ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ مه ماه ۱۳۳۰ باین کار رسیدگی کرد و از لحاظ آئین نامه داخلی خود مقرر

(۱) نقل از گزارش ۲۲ اردی بهشت ۳۱ دولت بمجلس سنا صفحه ۷.

۵- در متن تاریخ ۱۳۳۳ آمده. اصلاح شد، (۱.۱).

نمود تا دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به صلاحیت خود اظهار نظر نکند. موضوع مسکوت بماند. (۱)

بنابراین دولت انگلیس از مراجعه بشورای امنیت نتیجه نگرفت و کار بنفع ایران خاتمه یافت. ناگفته نماند که قرائت و ارائه اصل و ترجمه تلگرافات دولت دیکتاتوری در شورای امنیت راجع به انتخابات نمایندگان دوره نهم تقنینیه که قرارداد تمدید امتیاز نفت را تصویب کرده بودند اثری بسزا بخشید. (۲)

با این حال دولت انگلیس دست از مبارزه نکشید و در اکتبر ۱۹۵۱ لایحه‌ای بر علیه دولت ایران بدیوان بین‌المللی دادگستری تسلیم نمود که با اطلاع دولت ایران رسید و تحت مطالعه و مذاقه قرار گرفت و با مذاکره و مشاوره متخصصین جوابی تحت عنوان «ملاحظات مقدماتی راجع به صلاحیت دیوان» تهیه و ۴ فوریه ۱۹۵۲ پانزدهم بهمن ۱۳۳۰ بدیوان لاهه تسلیم گردید.

هیئت نمایندگی ایران از ۹ تا ۲۳ ژوئن ۱۹۵۲ (۱۹ خرداد تا ۲ تیر) برای دفاع از حق ملت ایران در جلسات دیوان حضور بهم رسانید و با دفاع مؤثر پرفسور رولن کار بنفع دولت ایران خاتمه یافت که حتی قاضی انگلیس هم بحقانیت ایران رأی داد.

اکنون بعضی از قسمتهای نطق این جانب در آن دیوان از کتاب «مدافعات نخست وزیر و پروفیسور رولن در دیوان بین‌المللی دادگستری» عیناً در اینجا نقل میشود:

«تاریخچه روابط ایران و انگلیس طولانی‌تر از آن است که بخواهم در این جا بتفصیل آن را بیان کنم. همینقدر باید بگویم که در قرن نوزدهم ایران میدان رقابت دو سیاست امپریالیستی روس و انگلیس بود. چندی بعد دو حریف با هم کنار آمدند و در ۱۹۰۷ کشور ما را بدو منطقه‌ی نفوذ تقسیم نمودند. سپس هنگامی که امپراطوری تزاری وازگون گردید و اتحاد جماهیر شوروی گرفتار انقلاب داخلی شد بریطانیای کبیر که از میدان جنگ فاتح بیرون آمده و در خاورمیانه بلامنازع و بی رقیب بود از فرصت استفاده نمود و خواست با عقد قرارداد ۱۹۱۹ که عنان امور کشوری و لشکری را بدست افسران کارشناسان انگلیسی میسپرد ایران را منحصرأ در تحت اختیار و تسلط سیاسی و اقتصادی خود قرار دهد. بالاخره چون آن قرارداد هم با مقاومت شدید آزادیخواهان و وطنپرستان مواجه گردید دیپلماسی انگلیسی برای اینکه سیاست خود را بصورت دیگری عملی سازد رژیم دیکتاتوری را که بیست سال از آن حمایت نمود بر سر کار آورد و منظور اقتصادی

(۱) نقل از گزارش سوم آذرماه ۱۳۳۰ دولت بمجلس شورای ملی، صفحه ۲.

(۲) ملاحظه شود نطق ۱۹ آذر ۱۳۳۰ نخست‌وزیر در مجلس شورای ملی، صفحه ۴ و

سیاست انگلیس از تمهید این وسایل این بود که بالانحصار نفت کشور ما را تصاحب نماید و باین ترتیب آنچه میبایست موجب ثروت ملی ما شود منشاء بلیات گوناگون و مصائب طاقت فرسای ما گردید و این سلطه بوسیله کمپانی صاحب امتیاز عملی میگردید، یعنی علاوه بر اینکه نفت ما را بسوی انگلستان میکشاند بضرر ایران فوائد کثیر مالی عاید انگلستان می ساخت.

میزان این استفاده ها را نمی توان بطور محقق معلوم نمود. چه ایران هیچوقت نتوانست باقلامی که در ترازنامه ی شرکت منظور شده بود بررسی کند و نه از میزان و قیمت نفتی که بشمن بخش و یا حتی برایگان (۱) ببحریه ی انگلیس فروخته میشد اطلاع حاصل نماید و همچنین منافعی را که از راه انحصار حمل و نقل دریائی و معاف ساختن کالاهای وارده بایران از پرداخت حقوق گمرکی باقتصاد انگلیس رسیده بود تشخیص دهد.

چنانچه ارقام ترازنامه شرکت را حجت بدانیم باز ملاحظه میکنیم که مثلاً در طی سال ۱۹۴۸ از ۶۱ میلیون لیره عوائد خالص شرکت دولت ایران از جمیع جهات فقط نه میلیون لیره دریافت کرده، در صورتیکه تنها از بابت مالیات بر درآمد ۲۸ میلیون لیره عاید خزانه انگلستان شده است.

برای من جای تردید نیست که مقصود از مراجعه بشورای امنیت و دیوان بین المللی آن است که باز از ما تعهدات مشابهی تحصیل کنند و حال آنکه یادگارهای تلخ و اجحافات امتیاز ۱۹۳۳ هنوز از خاطرها محو نشده و اگر بنا بود اداره صنایع ملی شده را دوباره تسلیم بیگانگان کنیم اساساً چه حاجتی به ملی کردن صنعت نفت داشتیم...

موقمی که از طهران حرکت میکردم امیدوار بودم مظالمی را که بایران وارد شده بطور کامل بعرض آقایان برسانم و میخواستم مدارک بی شماری که در این زمینه دارم (۲) و فقط بعضی از آنها را سابقاً باستحضار شورای امنیت رسانده بودم بشما ارائه دهم تا بعدا خللات شدید شرکت نفت انگلیس و ایران در امور داخلی ما بهتر پی ببرید ولی چون مرا محدود ساخته اید که از حدود مطالب مربوط بعدم صلاحیت خارج نشوم ناچارم که از

(۱) هیئت نمایندگی انگلیسی این گفته ها را در دادگاه شنید و تکذیب نمود.

(۲) قسمتی از این اسناد در آلبومی گذاشته شده بود که در مراجعت از لاهه آن را آقای حائری شاه باغ دادستان کل دیوان عالی کشور در بانک ملی گذاشت و پس از کناره جویی از کار کلید صندوق را بقائم مقام خود آقای اخوی سپرد و قسمت دیگر هم در صندوق آهنی خانه من بود که روز ۲۸ مرداد ۳۲ یعنی همان روز رستاخیز معلوم نشد بکجا رفت.

خواسته های شما تبعیت کنم و از ارائه ی اسنادی که در دست دارم خودداری نمایم.»
این بود قسمتی از بیانات این جانب در دیوان بین المللی داد گستری. نظر باینکه
دیوان مزبور بحقانیت دولت ایران رأی داد و در مراجع بین المللی دیگر راهی برای دولت
انگلیس باقی نمانده بود مبارزه ای که همان ماههای اول تصدی من در ایران شروع شده
بود از طریق مجلس و دربار بشدت ادامه پیدا کرد که شرح هر کدام در فصول بعد خواهد
آمد.

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیست های ایران - سوسیالیست های طرفدار راه مصدق

دوشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۱ - ۲ آوریل ۲۰۱۲

www.ois-iran.com / socialistha@ois-iran.com